

## سرود ملی؟ و یا سرود ملی ورزشی!

باری در آن ایام دور پارینه، . . که طفلی بیش نبودیم سروده ها و ترانه هایی داشتیم که الحق تخم حب الوطن و احترام به دیگران و خضوع در برابر بیرق ملی و اطاعت در برابر قانون را چنان در رگ و پوست ما بذر کرده بود که تا امروز نقش آن با وجود سپری شدن بیش از نیم قرن در ذهن ما باقی است. . .

میخواندیم که:

**متفق به همدیگر چون سروجانیم**

**شکر حق که جمله ما قوم افغانیم**

و یا اینکه

**سیاه و سرخ و سبز رنگ است  
سلام و احترام می کنیم**

**بیرق ما چه خوش قشنگ است  
پیش بیرق سلام می کنیم**

و غیره که جز نمایانگر حس وطندوستی و وطنپرستی و اساس مشخصه ما افغان ها که همانا «غیرت افغانی» اش خوانده اند چیزی بیش نبود.

حتی در (هرکاره) ها حین اجرای ورزش و یا موفقیت پهلوانان، سروده هایی برای تمجید و تشویق شان اجرا می گردید. . . این سروده ها بدون شک تأثیرات مثبتی را در راه تحکیم وحدت ملی و تزریق احساسات ملی گرایانه، از آوان کودکی تا جوانی و کهولت در اذهان نسلیها بجا گذاشته است، ولی با تأسف که طی سی و چند سال گذشته و خصوصاً در دور حاکمیت فعلی این ترانه ها و این سروده های ملی به باد فراموشی سپرده شده است. در کودکانها و مکاتب که از آن اصلاً خبری نیست، حتی عناصر مقامات حاکمه هم از مفاهیم آن بوئی نمی برند.

خبری که دیروز در پورتال افغان جرمن آنلاین به حواله آژانس پژواک انتشار یافته بود حاکی از آن است که :

**(دو آواز خوان مشهور، برای اولین بار یک سروده جدید ورزشی را به مناسبت دستاورد های ورزشکاران افغان در مسابقات بین المللی، به کمیته ملی المپیک هدیه نمودند. ظاهر شباب و صدیق شباب، دو برادری اند که این پارچه آهنگ حماسی را مشترکاً با مطلع "ورزشکار ما، افتخار ماست"، به زبان های دری و پشتو سروده اند.)**

احساسات ملیگرایانه ظاهر شباب و صدیق شباب را که ما به کرات و همیشه از آهنگ های وطنی و ملی شان محظوظ گردیده ایم، برایشان تبریک گفته و موفقیت های هرچه بیشتر شان آرزوی قلبی هر وطنپرست خواهد بود و قابل قدر میباشد. ولی از طرف دیگر دیده میشود که **محمد ظاهر اغبر** رئیس کمیته ملی المپیک همان آثابیکه سال قبل، زمانیکه قهرمانان افغان در کشور چین روی پله های قهرمانی قرار گرفتند و بیرق افغانستان، به افتخار به اهتزاز درآمد، هدایت صادر فرمود تا عوض سرود ملی و قانونی افغانستان ترانه شورای نظار نواخته شود. دیده می شود که شاید خدا نا خواسته جنرال صاحب یا تازه به معنی و مفهوم وحدت ملی پی برده باشند و یا دسیسه غیر ملی دیگری از تفرقه اندازان و دشمنان وحدت ملی افغان ها در حال اجرا است. وی گفته است (این، اولین سرودی است که در قالب وحدت ملی خوانده شده و به این اداره اهدا گردید).

**اولین سرود؟؟؟**

**در قالب وحدت ملی؟؟؟**

منظور این آغا از اولین سرود ملی در قالب وحدت ملی چیست؟ چرا این دگرجنرال صاحب از سروده بسیار مینه و پر از احساس لطیف ننگرهای . . . **د کریکت لوبه گتیمه . . . د نری کپ به راورمه** که چند سال قبل در قدردانی از موفقیت تیم ملی کریکت نواخته بود ( به کرات متعاقب موفقیت هایشان در پورتال افغان جرمن آنلاین نشر گردیده است) و یا ده اثر ملی دیگر به شمول آهنگ **(دیار نازنین من و یا سلام افغانستان)** از فرهاد دریا و دیگران یادی نکرده است؟ آیا این اولین بودن به معنی این است که خدای نا خواسته برادران شباب آهنگی را طبق دلخواه رئیس المپیک ترتیب نموده اند و به دامش افتاده اند و یا آیا منظورش ازین بیان بی مسؤولیت، به زبان بی زبانی، به ادامه شاهکارش در چین، نفی نمودن سرود ملی فعلی افغانستان است؟ تنها آینده و شنیدن این به اصطلاح **سرود ملی ورزشی** میتواند جوابگوی این سوالات باشد.

وی افزود: "هنر و هنرمند، پل ارتباط میان جامعه ها است." اغبر، از سایر هنرمندان نیز خواست که آهنگ هایی را در قالب وحدت ملی بسرایند و به اداره ورزش بسپارند تا از آهنگ های سروده شده، به اساس یک رقابتی که از

سوی وزارت اطلاعات و فرهنگ به راه انداخته میشود، سرود ملی ورزش افغانستان انتخاب گردد. رئیس کمیته ملی المپیک، سرود ملی ورزشی را قوت قلب ورزشکاران بیان کرده، گفت: " تا کنون افغانستان کدام سرود ورزشی ملی نداشت، اما آرزو داریم که در آینده نزدیک سرود ملی ورزشی کشور انتخاب گردد".

به شاعری رئیس کمیته ملی المپیک باید تفهیم کرد که با وجود این کشف بکرشان در هیچ نقطه ای از جهان چیزی بنام **سرود ملی ورزشی** وجود نداشته و ندارد. تنها **سرود ملی** هر مملکت است که در صورت موفقیت تیم متعلقه نواخته میشود و بس.

سروده ها و ترانه های حماسی و میهنی مثل آهنگ برادران شباب و یا لطیف ننگر هاری و یا فرهاد دریا و دیگران یا توسط تماشاگران در ستدیوم ها بمنظور تشویق و یا ذریعه بازیگران بعد از موفقیت، داوطلبانه برای ابراز احساسات و شغف و سرور خوانده و یا نواخته میشوند چیزی رسمی، جبری و یا انتخابی از طرف کدام مرجع و یا مقام رسمی و یا غیر رسمی نبوده به هیچ وجه نباید صرف طبق دلخواه شخص معینی **سرود ملی** و یا **سرود ملی ورزشی** نامیده شود. . .

در همه دنیا، در همه مراسم، وقتی ورزش کاران یک کشور مدال پیروزی بدست می آورند، در هر جایی که باشند، یک سرود واحد و آشنای مردم خود را می سرایند. در بین تماشاگران طرفدار، در جمع مردم است که ترانه ها نظر به حال و احوال و وضعیت و شرایط خاص، آنها از جانب یک شخص و یا یک گروه سر آغاز میگردد و همه دران اشتراک مینمایند، نه اینکه از مقامی هدایت صادر گردد. . . عاقلان گویند: «آنچه که عیان است، چه حاجت به بیان است!». حقیقت اینست که می گویند «شیطان در تفصیل نهفته است»، با عمل ننگین بناغلی اغبر در بیژنگ که به ابتکارش لکه سیاهی را در تاریخ المپیک افغانستان بجا گذاشت، درحقیقت یک موقف دیگر ضد وحدت ملی، از کله یکی از پیروان و شاگردان مکتب «شورای نظاری» بر ملا گردید. این جنرال «شورای نظاری» بی خبر است که هر تبعه در هر کشور، خود را تابع و وفادار به قانون اساسی می داند. وقتی این جنرال میخواهد خلاف مقررات و موازین ملی، سرود ملی دیگری را به کمک بناغلی رهین وزیر صاحب اطلاعات جاگزین سرود ملی موجوده نماید، ممکن مانند مرغ بی وقت با همچو بی طاقتی، پیش از وقت «آذان» داده و بدون وقعی گذاشتن به قانون اساسی مصوب، سرود آینده خود را فرمایش داده باشد. تکیه کلامی وجود دارد که «لودگی به خانی و یا معتبری ربطی ندارد»..

امید است تا دگر جنرال صاحب شورای نظار، دانش خود را اقلأ تا سطح یک رئیس المپیک بالا برده و بعد با احترام به **سرود ملی افغانستان** ولو به مزاج شریف ایشان و یا به دلخواه ما و دیگران هم برابر نباشد، در پرتو **قانون اساسی افغانستان** و با شناخت **وحدت ملی** که مستلزم درک **ارزش های ملی** و در نهایت متضمن **تمامیت ارضی افغانستان** است، مسؤلانه دهن باز نماید. و اگر نیم کاسه ای زیر کاسه نیست، ترانه ها و سروده های میهنی فراوانی از جانب هنرمندان ما ساخته و نواخته شده و خواهد شد که ولو اغبر ها و رهین ها بخواهند و یا نخواهند، بهتریشان ورد زبانها شده و متعاقب نواختن سرود ملی مصوب، در پیروزی ها، غریو آن از گلوی واحد یک ملت، ستودیوم ها را به لرزه در خواهد آورد.

به امید پیروزی های هر چه بیشتر ورزشکاران افغان

**پاینده باد وحدت ملی**

**زنده و معمور باد افغانستان عزیز**